



ترور ابوعلی

فرمانده حزب الله به شهادت رسید



مدافع هویت ایرانی

به یاد هادی مرزبان



تبعیض سفید!

مدافعان فیلترینگ، اینترنت بدون فیلتر و سفید دارند

پایان اقتصاد دستوری

رئیس جمهور اعلام کرد: با دستور نمی توان اقتصاد را اداره کرد. سخنان پزشکيان نقدی بر روش ها و رویکردهای پیشین است



یادداشت روز

وضعیت اضطرار و بازسازی کابینه

متأسفانه شاهد تصمیم گیری های کُند و متناقض در دولت هستیم



جهانبخش خانجانی

عضو شورای مرکزی و رئیس کمیته اجتماعی حزب کارگزاران سازندگی ایران

دولت امروز در بحرانی جدی گرفتار است؛ بحرانی که ریشه آن نه در کمبود منابع بلکه در ناکارآمدی مدیریتی، تصمیم گیری های پراکنده و فقدان معماری حکمرانی است. کابینه و تیم های میانی بسیاری از وزارتخانه ها، توان اجرای برنامه ها را ندارند و همین ناهماهنگی، هزینه ناکارآمدی را مستقیماً بر دوش رئیس جمهور و مردم گذاشته است. تنها راه عبور از این بحران، بازسازی کابینه بر مبنای شایستگی و کارآمدی است؛ نه بر اساس توازن سیاسی یا معامله جناحی. ارزیابی ۳۶۰ درجه وزرا و معاونان، تغییر ۴ تا ۶ وزارتخانه کلیدی و سازمان های پر حجم و جذب تکنوکرات های مستقل، می تواند مسیر اعتماد سازی و پیشرفت واقعی را هموار کند. متأسفانه باید گفت شاهد تصمیم گیری های کند و متناقض در دولت هستیم؛ این یعنی دولت فاقد یک نظام تصمیم گیری منسجم است. ایجاد شورای راهبری با حضور متخصصان مستقل، چند وزیر کلیدی و یک تیم حرفه ای افکار سنجی همراه با برنامه های ۱۰۰ روزه و ۲۰۰ روزه با شاخص های کلیدی عملکرد روشن و تشکیل «اتاق فرمان» ویژه برای مدیریت بحران های اصلی دولت را چابک، پاسخگو و قابل اعتمادتر می کند. نظارت ماهانه رئیس جمهور بر این برنامه ها و ارائه گزارش های شفاف به جامعه، می تواند وعده «پیشرفت ملموس» را از سطح شعار به واقعیت نزدیک کند.

اقتصاد در وضعیت اضطراری است و مردم انتظار دارند هرگونه تغییر، در زندگی روزمره شان قابل لمس باشد. یک برنامه ثبات بخشی ۳ ماهه برای مهار نوسانات ارز، توقف تصمیم های ناگهانی و آغاز اصلاحات ساختاری- از جمله کوچک سازی شرکت های دولتی، اصلاح نظام مالیاتی، تسهیل سرمایه گذاری و اقدامات فوری برای کنترل قیمت کالاهای اساسی- هم سرمایه اجتماعی را بازسازی می کند و هم اعتماد عمومی را تقویت خواهد کرد. پیام رسانی دولت نیز نیازمند بازتعریف فوری است. پیام های پراکنده و نسنجیده طی ماه های گذشته هزینه های غیر قابل جبرانی بر دوش دولت گذاشته است. ایجاد یک مرکز واحد ارتباطات، پرهیز از پخش زنده و اظهار نظر های لحظه ای بدون هماهنگی، راه اندازی گزارش هفتگی شفاف و کوتاه رئیس جمهور و استفاده از چهره های حرفه ای رسانه ای، می تواند جنجال ها را کاهش داده و اعتماد عمومی را بازسازی کند. همزمان، بازسازی رابطه با نخبگان، دانشگاهیان و بدنه اجتماعی از طریق تشکیل «شورای اجتماعی ملی» و ایجاد «دفتر مشارکت اجتماعی» در دولت، مسیر بهره گیری از خرد جمعی و اعتماد سازی بلندمدت را هموار خواهد کرد.

ادامه در صفحه ۶

کارتل های فساد

سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا خبر داد: یک باند قاچاق فرآورده های نفتی پس از یک سال کار اطلاعاتی، شناسایی شد که با حکم قضایی، متهمان به پرداخت ۱۱ هزار میلیارد تومان جریمه محکوم شدند اما در کمتر از یک ساعت، کل مبلغ را به حساب قوه قضائیه واریز کردند سازندگی به این موضوع پرداخته است که کارتل های بزرگ فساد چگونه در حال رشد هستند و آیا ایران با خطر کلمبیایی شدن روبه رو است؟



مهران فیاضی

گروه اقتصاد

رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا هفته گذشته خبری اعلام کرد که هنوز هم باورکردنش سخت است. طبق اظهارات سردار حسین رحیمی، یک باند قاچاق فرآورده های نفتی پس از یک سال کار اطلاعاتی شناسایی که با حکم قضایی به پرداخت ۱۱ هزار میلیارد تومان جریمه محکوم شد اما متهمان در کمتر از یک ساعت بعد، کل مبلغ را به حساب قوه قضائیه واریز کردند. پرداخت سریع چنین رقمی نه تنها عمق سودآوری این فعالیت را نشان می دهد بلکه ثابت می کند با گروه هایی روبه رو هستیم که تمکن مالی شان از بسیاری نهادهای دولتی هم بیشتر است.

ادامه در صفحه ۶

شناسه آگهی: ۲۰۵۰۵۹۰



آگهی مزایده عمومی مدیریت

بانک کشاورزی استان تهران

مدیریت بانک کشاورزی استان تهران

م ۳۱۱۵

رجوع به صفحه ۵



سال هشتم شماره ۲۱۲۱
سه‌شنبه ۴ آذر ۱۴۰۴

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

حاشیه‌نگاری

نمادسازی پر حاشیه

در نقد رفتار مدیران صداوسیما
و قدیس‌سازی از ساختمان شیشه‌ای آن سازمان



گروه سیاسی: هدیه دادن قطعات آسیب‌دیده ساختمان شیشه‌ای صداوسیما در جنگ ۱۲ روزه به بازدیدکنندگان شاید در ظاهر حرکتی نمادین به نظر برسد اما با نگاهی دقیق‌تر، ضرورت، پیام و تأثیری که این اقدام بر افکار عمومی می‌گذارد، محل سوال است. صداوسیما به‌عنوان رسانه ملی و به‌عنوان نهادی که رسالت اطلاع‌رسانی و ایجاد اعتماد عمومی دارد معمولاً باید تصمیم‌هایی بگیرد که با استانداردهای حرفه‌ای آن و نیز حساسیت‌های اجتماعی هماهنگ باشد.

تبدیل قطعات یک ساختمان آسیب‌دیده به یادگاری، خودبه‌خود جنبه‌ای نمادین پیدا می‌کند اما اینکه این نمادسازی چقدر سنجیده و موثر است، قابل بحث است. برخی این کار را نوعی تأکید بر مقاومت و ایستادگی می‌دانند اما در مقابل، عده‌ای آن را نمایشی غیرضروری و بهره‌برداری تبلیغاتی از حمله اخیر تلقی می‌کنند که تلاش دارد با تقدس‌سازی از یک شی‌ احساسات عمومی را به چالش بکشد. از زاویه ارتباطات رسانه‌ای نیز چنین اقدامی این خطر را دارد که حادثه‌ای جدی و تهدیدآمیز به یک آیت تبلیغاتی تبدیل شود. وقتی قطعات یک حادثه امنیتی تبدیل به سوغاتی می‌شود این پیام را منتقل می‌کند که یک اتفاق تلخ به نوعی قابل مصرف رسانه‌ای است. اگر قرار بود این اقدام در خدمت تقویت همبستگی یا تصویرسازی از ایستادگی باشد، بهتر بود با شفاف‌سازی هدف، گفت‌وگو با متخصصان رسانه و بررسی پیامدهای اجتماعی همراه می‌شد. اما در حال حاضر چنین اقدامی بیش از آنکه اثر مثبتی داشته باشد، باعث ابهام یا برداشت‌های منفی می‌شود.

جامعه امروز از رسانه ملی انتظار دارد که تمرکز اصلی‌اش بر شفافیت، کیفیت برنامه‌ها و بازسازی اعتماد مخاطب باشد. در چنین فضایی، اقداماتی مثل توزیع تکه‌های یک ساختمان آسیب‌دیده، توجه را از مسائل اصلی دور و این تصور را ایجاد می‌کند که صدا و سیما بیشتر از اصلاحات و تقویت عملکرد داخلی به دنبال نمادسازی‌های بی‌رونی است. برای تحلیل این اقدام باید به واکنش‌های احتمالی مردم هم توجه کرد. برای بخشی از جامعه، این کار ممکن است، غیرمتعارف یا حتی نامناسب به نظر برسد؛ به‌خصوص اگر احساس کنند، حادثه‌ای که به هر حال با آسیب، تهدید یا خسارت همراه بوده بیش از حد سبک یا نمادین شده است. نبود توضیح دقیق درباره هدف این حرکت نیز برداشت‌های متفاوتی را موجب شده است. گرچه صدا و سیما در برهه‌های مختلف نشان داده که اهمیتی برای سوءتفاهم‌ها و نیز خواسته‌ها و انتظارات افکار عمومی قائل نیست.

نمونه دیگری از این رویکرد، اعلام ساخت فیلم «سحر امامی» توسط این رسانه است. وقتی رسانه ملی پیش از بررسی پیامدهای اجتماعی و نیازها و واکنش‌های مخاطب خود اقدام به تولید چنین محتوایی می‌کند، امکان سوءبرداشت، تحریک حساسیت عمومی و ایجاد نارضایتی در بین مخاطبان دوچندان می‌شود. هم توزیع قطعات ساختمان آسیب‌دیده به عنوان یادگاری و هم ساخت فیلمی مانند «سحر امامی» نمونه‌ای از تصمیم‌گیری‌هایی هستند که بیشتر جنبه شعاری و نمادین دارند تا تعهد به شفافیت و اطلاع‌رسانی درست. این اتفاق همچنین دوباره نشان داد که صداوسیما هیچ شناختی از انتظارات جامعه ندارد و در پیام‌رسانی خود حساسیت لازم را به کار نمی‌گیرد. در نتیجه، اقدامات آن به جای تقویت ارتباط با مخاطب، شکاف میان رسانه و جامعه را پررنگ‌تر می‌کنند.

پایان اقتصاد دستوری

رئیس‌جمهور اعلام کرد با دستور نمی‌توان اقتصاد را اداره کرد. سخنان پزشک‌های نقدی بر روش‌ها و رویکردهای پیشین است



عاطفه شمس

گروه سیاسی

سخنان رئیس‌جمهور در نشست اخیر ستاد تنظیم بازار را می‌توان نشانه‌ای آشکار از تغییر رویکرد دولت در مواجهه با مسئله تورم مزمن و گرانی‌های فزاینده دانست که سال‌هاست به محور اصلی نارضایتی عمومی، کاهش رفاه و بی‌ثباتی اقتصادی بدل شده است. اظهارات پزشک‌های در این جلسه که معاون اول و دیگر اعضای اصلی ستاد نیز در آن حضور داشتند، جهت‌گیری ماه‌های پیش‌رو در سیاست‌گذاری اقتصادی و فهم دولت از ریشه‌های وضعیت موجود و شیوه مواجهه با آن را تا حدودی مشخص کرد.

بازگشت به قاعده‌مندی

پزشک‌های در ابتدای جلسه تأکید کرد: «در دنیا راهکارهای مختلفی برای کنترل تورم اجرایی شده و باید با مطالعات تطبیقی بررسی کرد، کدام راهکارها مؤثرتر بوده است». این جمله اگرچه بدیهی به نظر می‌رسد اما در فضای سیاست‌گذاری ایران، معنایی فراتر دارد. تجربه سال‌های اخیر نشان داده بسیاری از سیاست‌های اقتصادی کشور بیش از آنکه بر شواهد، مطالعات تطبیقی یا آزمون‌های میدانی تکیه داشته باشند بر نگاه دستوری و تصمیم‌های کوتاه‌مدت بنا شده‌اند. نتیجه چنین رویکردی نیز چیزی جز تورم ساختاری، بی‌ثباتی قیمت‌ها و افزایش مداوم هزینه زندگی خانوارها نبوده است. اشاره رئیس‌جمهور به «مطالعات تطبیقی» می‌تواند، نشانه‌ای از فاصله گرفتن از همین الگوی نادرست باشد؛ اینکه دولت قصد دارد به جای نسخه‌نویسی فوری و دستوری از تجربه کشورهای مانند ترکیه (در دوره‌های مهار تورم)، برزیل، کره جنوبی یا حتی اقتصادهای منطقه بهره بگیرد و به این درک رسیده که کنترل تورم، نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات هماهنگ، تدریجی و مبتنی بر داده است.

پزشک‌های همچنین در بخش مهم‌تری از سخنان خود گفت که «اقتصاد با دستور اداره نمی‌شود». نکته‌ای که در همایش اخیر بازار سرمایه نیز بر آن تأکید کرد. این جمله در واقع نقدی بر رویکردهای گذشته است که تصور می‌کردند با تعیین دستوری قیمت یا صدور بخشنامه‌های متعدد می‌توان روند بازار را تغییر داد. اقتصاد ایران سال‌هاست، هزینه سیاست‌های دستوری را پرداخته است؛ سرکوب مصنوعی قیمت‌ها که در نهایت به کمبود کالا و رانت توزیعی انجامید، تثبیت نرخ ارز بدون پشتوانه که خود به موج‌های تورمی بعدی منجر شد و الزام به فروش اجباری با قیمت‌های غیربازاری که انگیزه تولید را تضعیف کرد.

تأکید رئیس‌جمهور بر لزوم ارائه «راهکارهای عملیاتی و

ایران

بیعت تهرانی‌ها با شهدا

تشییع پیکرهای مطهر ۱۰۰ شهید گمنام در سالروز شهادت حضرت زهرا (س)

همزمان با سالروز شهادت حضرت زهرا (س) مراسم تشییع پیکرهای مطهر یکصد شهید تازه تفحص شده در تهران برگزار شد. همزمان با سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) و به مناسبت روز ملی شهدای گمنام، مردم سراسر کشور با حضور گسترده در مراسم‌های مختلف، پیکرهای مطهر ۳۰۰ شهید گمنام دوران دفاع مقدس را بدرقه کردند. در تهران نیز مردم شهیدپرور پایتخت به همراه مسئولان لشکری و کشوری و خانواده‌های معظم شهدا، پیکر پاک ۱۰۰ شهید گمنام را از مقابل دانشگاه تهران تا معراج شهدا تشییع و با آنها تجدید عهد کردند. این مراسم که با حضور گسترده عزاداران فاطمی و قدردان شهدا برگزار شد، صحنه‌ای از ارادت و وفاداری به شهدا و فداکاری‌های آنان در دوران دفاع مقدس بود.

غیرشوک‌آور» بیانگر این است که دولت به دنبال بازگشت به سیاست‌گذاری مبتنی بر قواعد اقتصادی است؛ نه تصمیمات مقطعی که تنها برای چند هفته، ثبات ظاهری ایجاد می‌کنند سپس با شدت بیشتری به بازار برمی‌گردند.

جراحی آرام به جای تصمیمات شوک‌زا

پزشک‌های همچنین هشدار داد که اصلاح روندهای اقتصادی نباید در جامعه «فشار و شوک» ایجاد کند. این نکته بسیار مهم است؛ زیرا تجربه اصلاحات اقتصادی در ایران، از هدمندی یارانه‌ها تا ارز ۴۲۰۰ تومانی، نشان داده هرگاه اصلاحات بدون سازوکار حمایتی و بدون اقناع اجتماعی اجرا شده، نه تنها دستاوردی نداشته بلکه موج جدیدی از تورم و بی‌اعتمادی عمومی را ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد که دولت چهاردهم به‌خوبی دریافته که مردم تحت فشار معیشتی شدید هستند و هرگونه تغییر ناگهانی در سیاست‌های حمایتی یا قیمت حامل‌ها می‌تواند جامعه را با تنش روبه‌رو کند. از این رو روش «جراحی



آرام» بر پایه گام‌های کوچک، تدریجی و همراه با بسته‌های جبرانی، رویکرد اصلی دولت معرفی شده است. در همین چارچوب، رئیس‌جمهور بار دیگر به کالابریگ الکترونیک به‌عنوان ابزاری برای جبران افزایش قیمت کالاهای اساسی اشاره کرد. ایده کالابریگ در دولت قبل طرح شد اما هیچ‌گاه به‌طور کامل و جامع اجرا نشد. اکنون پزشک‌های تأکید می‌کنند که یارانه باید به کالاهای اساسی هدایت شود و دولت قادر نیست، منابع محدود خود را صرف کالاهای غیراساسی کند. این اظهارات البته دو پیام اساسی دارد؛ بازنگری جدی در نظام یارانه‌ای کشور ضروری است و در حالی که در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از منابع یارانه‌ای صرف جبران قیمت کالاهای غیرضروری یا حمایت‌های غیرهفمند شده اکنون دولت می‌گوید باید یارانه‌ها به شکلی دقیق‌تر به معیشت، سلامت و دارو تخصیص یابد.

رئیس‌جمهور صریح بیان کرد که دولت نمی‌تواند در حالی که

به برخی کالاهای غیرضروری یارانه می‌دهد از حمایت دارویی یا سلامت مردم بکاهد. رویکردی که اگر عملی شود، می‌تواند یکی از مهم‌ترین اصلاحات ساختاری در حوزه یارانه‌ها طی دو دهه اخیر باشد. پزشک‌های در ادامه سخنان خود بر مجموعه‌ای از حوزه‌های اساسی تأکید کرد که هر کدام می‌تواند، زمین بازی سیاست داخلی دولت را در ماه‌های آینده ترسیم کند؛ معیشت، مسکن، امنیت، سلامت و آموزش. این فهرست در واقع نقشه راهی است برای فهم اینکه دولت در کوتاه‌مدت بر چه حوزه‌هایی متمرکز خواهد شد؛ معیشت که شرط اولیه آرامش اجتماعی است و بدون کنترل تورم و ثبات قیمت‌ها هیچ اصلاح دیگری امکان‌پذیر نیست. مسکن حوزه‌ای که با تورم نقطه‌به‌نقطه بالا و کاهش قدرت خرید به معضل اصلی نسل جوان تبدیل شده است. امنیت که پیوند وثیقی با ثبات اقتصادی دارد و سلامت و آموزش به عنوان بخش‌هایی که هرگونه کاهش حمایت از آنها مستقیماً نارضایتی عمومی ایجاد می‌کند و هزینه اجتماعی سنگینی دارد. تأکید پزشک‌های بر این محورهای کلیدی نشان می‌دهد، دولت قصد دارد اولویت‌بندی روشن‌تری در سیاست‌گذاری‌های خود ایجاد کند و منابع محدود را به حوزه‌هایی اختصاص دهد که بیشترین ارتباط را با زندگی روزمره مردم دارند.

دولت از کجا باید آغاز کند؟

اگر سخنان رئیس‌جمهور را به‌عنوان نقشه کلی در نظر بگیریم، چند محور اصلی به‌عنوان پیش‌نیاز موفقیت سیاست‌های ضدتورمی دیده می‌شود. نخستین گام انضباط مالی و بودجه‌ای است زیرا با کسری بودجه مزمن نمی‌توان تورم را مهار کرد، بنابراین اصلاح ساختار بودجه و حذف هزینه‌های غیرضرور اجتناب‌ناپذیر است. گام دوم، اصلاح نظام یارانه‌ای است زیرا تمرکز بر کالاهای اساسی و حذف حمایت‌های پراکنده، شرط اصلی بازگشت تعادل به بازار است. در مرحله سوم باید به سمت قاعده‌مندی بازار ارز حرکت کرد چراکه بدون ثبات نسبی نرخ ارز هرگونه کنترل تورم بی‌اثر خواهد بود. گام بعدی، ضرورت شفافیت و مبارزه با رانت است زیرا بخشی از گرانی ناشی از حلقه‌های توزیع رانتی و واسطه‌گری‌های غیرقانونی است و در نهایت، گفت‌وگو با جامعه و اقناع افکار عمومی است چراکه هر اصلاح اقتصادی بدون پشتوانه اجتماعی محکوم به شکست است.

در مجموع، سخنان پزشک‌های در ستاد تنظیم بازار، تصویر روشنی از دغدغه دولت ارائه می‌دهد اما اینکه رویکرد مهار تورم، حمایت از معیشت و انجام اصلاحات تدریجی بدون ایجاد شوک در جامعه تا چه اندازه در عمل موفق شود به توان دولت در ایجاد هماهنگی میان بخش‌های مختلف، انضباط بودجه‌ای و مدیریت انتظارات عمومی بستگی دارد. اما یک نکته قطعی است؛ اینکه این رویکرد اگر به سیاست منسجم تبدیل شود، می‌تواند یکی از مهم‌ترین چرخش‌های سیاست‌گذاری در یک دهه اخیر باشد.



ترور ابوعلی

شهادت هیثم علی طباطبایی توسط اسرائیل

گروه بین‌الملل: عصر یک‌شنبه دوم آذر، انفجاری قدرتمند

سکوت محله «حارث حرّیک» در حومه جنوبی بیروت منطقه‌ای که در افکار عمومی لبنان با نام «ضاحیه» شناخته می‌شود را در هم شکست. این انفجار که بیانیه وزارت بهداشت لبنان آن را «حمله‌ای مرگبار» خواند به شهادت ۵ نفر و زخمی شدن ۲۸ تن انجامید و بار دیگر پایتخت لبنان را در فضای امنیتی ملتهب فرو برد؛ فضایی که سال‌هاست، عملیات‌های هوایی اسرائیل آن را شکل داده است.

شهید هیثم علی طباطبایی، مشهور به «ابوعلی طباطبایی» از فرماندهان نسل نخست حزب‌الله و متولد ۱۹۶۸ بود. او که مادرش لبنانی جنوب و پدرش ایرانی بود، در بیروت به دنیا آمد و در جنوب لبنان بزرگ شد. در جوانی به حزب‌الله پیوست و طی چهار دهه فعالیت نظامی، نقشی کلیدی در ساختار فرماندهی این گروه ایفا کرد؛ نقشی که از لبنان تا سوریه و یمن امتداد یافت. طباطبایی که سابقه فرماندهی یگان نخبه «رضوان» را در کارنامه داشت، بارها از عملیات‌های ترور اسرائیل جان سالم به در برده بود و نامش از سال ۲۰۱۶ در فهرست تروریست‌های جهانی OFAC قرار داشت؛ همان فهرستی که آمریکا در سال ۲۰۱۸ برای اطلاعات مرتبط با او جایزه ۵ میلیون دلاری تعیین کرد. او ۱۰ سال پیش نیز هدف

اروپا

اصلاحات برای توافق

ترامپ از خبرهای خوب برای صلح اوکراین و روسیه خبر داد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

آمریکا و اوکراین روز یک‌شنبه از پیشرفت در تدوین یک «چارچوب صلح به‌روز و اصلاح شده» برای پایان دادن به جنگ با روسیه خبر دادند؛ چارچوبی که به نظر می‌رسد، نسخه تغییر یافته‌ای از طرح اولیه دولت دونالد ترامپ است و محصول هفته‌ها مذاکره میان فرستادگان ویژه آمریکا و روسیه بوده است. آکسیوس نیز به تازگی فاش کرده که تیم ترامپ پیش‌نویس طرح صلح را پیش‌تر از طریق تماس تلفنی در اختیار ولودیمیر زلنسکی قرار داده بود؛ نه در جریان دیدار روز پنج‌شنبه در کی‌یف، آن‌گونه که زلنسکی ادعا کرده بود.

با این حال پس از گفت‌وگوی هیأت‌های آمریکا و اوکراین در ژنو، بیانیه‌ای مشترک منتشر شد که این مذاکرات را «بسیار سازنده» توصیف کرد اما در عین حال هیچ جزئیات مشخصی درباره طیفی از مسائل کلیدی از جمله نحوه تضمین امنیتی کی‌یف در برابر تهدید روسیه ارائه نشد. مارکو رویو، وزیر خارجه ایالات متحده و رئیس هیأت آمریکایی، اذعان کرد که هنوز باید روی موضوعاتی از جمله نقش ناتو کار شود اما تیم او توانسته، تعداد مسائل حل نشده در «طرح

صلح ۲۸ ماده‌ای برای اوکراین» مورد حمایت ترامپ را کاهش دهد. در همین حال مقامات اروپایی (آلمان، بریتانیا و فرانسه) نیز نسخه اصلاح شده دیگری از طرح ترامپ را ارائه کردند که در آن اوکراین باید از ارتش بزرگ‌تری نسبت به پیشنهاد واشنگتن برخوردار باشد و مذاکرات مربوط به قلمروهای سرزمینی باید پس از توافق بر سر آتش‌بس و بر مبنای خط مقدم فعلی آغاز شود.

همزمان فشار سیاسی از جانب واشنگتن بر کی‌یف به شدت افزایش یافته است. ترامپ پیش‌تر یک ضرب‌الاجل غیررسمی را روز پنج‌شنبه تعیین کرده بود تا ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین، طرح پیشنهادی صلح را بپذیرد هرچند رویو احتمال داد این روند بیشتر طول بکشد. ترامپ در تروث سوشیال با اشاره به احتمال «پیشرفت بزرگ» در مذاکرات صلح، فشار خود را علنی‌تر کرد. او نوشت: «آیا واقعاً ممکن است که پیشرفت بزرگی در مذاکرات صلح بین روسیه و

ترور اسرائیل قرار گرفته بود اما از آن حمله جان به در برد و در ادامه به‌عنوان فرمانده «طرح حمله به الجلیل» شناخته شد. در دوران ظهور داعش در سوریه و ورود حزب‌الله به این کشور برای کمک به دولت بشار اسد، طباطبایی اختیارات گسترده‌ای پیدا کرد و مسئولیت ساخت زیرساخت‌های نظامی حزب‌الله در منطقه جولان را بر عهده گرفت؛ پروژه‌ای که بعدها با عنوان «پرونده جولان» شناخته شد. در حمله هوایی ژانویه ۲۰۱۵ اسرائیل در قنیطره، او هدف اصلی بود اما از مرگ گریخت در حالی که یک افسر ارشد ایرانی و جهاد مغنیه، از مسئولان پرونده جولان، در آن عملیات به شهادت رسیدند. سال ۲۰۱۶ او برای مأموریت جدید به یمن اعزام شد تا به نیروهای انصارالله آموزش‌های تخصصی بدهد و در هماهنگی با نیروی قدس ایران فعالیت کند. همان دوره، گروه هکری «آنانیموس» تصویر چهره او را منتشر و تهدید به ترورش کرد. سپس شایعاتی درباره کشته شدنش در حمله ائتلاف عربی در صنعا در ژانویه ۲۰۲۲ منتشر شد که نادرست از کار درآمد. پس از پایان مأموریت یمن، طباطبایی به لبنان بازگشت و از سوی حزب‌الله به‌عنوان فرمانده یگان رضوان و مسئول حمله احتمالی به الجلیل معرفی شد؛ نقشی که اهمیت استراتژیک زیادی در معادلات مرزی لبنان و اسرائیل داشت. حزب‌الله لبنان در بیانیه

رسمی خود، ترور این فرمانده ارشد را «تجاوزی ناجوانمردانه علیه لبنان و مردم آن» توصیف کرد. شاخه‌های نظامی حماس و جهاد اسلامی نیز با انتشار پیام‌هایی جداگانه، شهادت هیثم علی طباطبایی را تسلیت گفتند و او را از «نمادهای فرماندهی مقاومت در لبنان» خواندند. اما در سطح سیاسی داخلی لبنان، واکنش‌ها متفاوت بود. میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان، مشابه رویه گذشته خود، موضعی محافظه‌کارانه گرفت. او بدون صدور هیچ تهدیدی علیه اسرائیل، تنها از جامعه بین‌الملل خواست تا برای توقف تجاوزات این رژیم علیه لبنان اقدام کند؛ موضعی که از سوی برخی گروه‌های داخلی و تحلیلگران، «انفعال سیاسی» توصیف شده است. در مقابل، بنیامین نتانیاهو بار دیگر ادبیات تهدیدآمیز را تکرار کرد و گفت: «هر کاری لازم باشد برای جلوگیری از

عمده‌ترین امتیازات به روسیه شامل پذیرش گسترده قلمرو و محدودیت قدرت غرب است؛ منطقه‌های دوتنسک و لوهانسک، همراه با کریمه، عملاً به‌عنوان سرزمین روسیه به رسمیت شناخته می‌شوند. اوکراین باید از بخش‌هایی از دوتنسک که هنوز در اختیار دارد، عقب‌نشینی کند تا یک منطقه حائل غیرنظامی ایجاد شود و روسیه بخش‌هایی از مناطق خرسون و زاپوریژیا که در اختیار دارد را حفظ خواهد کرد. طبق طرح، استقرار نیروهای ناتو در اوکراین ممنوع می‌شود و هرگونه گسترش بیشتر این ائتلاف نیز متوقف خواهد شد. قدرت نظامی اوکراین، سقف‌گذاری می‌شود و همه طرف‌ها برای اقداماتی که طی جنگ انجام داده‌اند، عفو می‌شوند. علاوه بر این مسکو به‌تدریج از تحریم‌ها رهایی می‌یابد، دوباره وارد تجارت جهانی می‌شود و حتی به گروه ۸ دعوت و توافق‌نامه‌های همکاری اقتصادی با آمریکا امضا می‌کند. این فرصت طلایی در حالی به روسیه داده می‌شود که اقتصاد این کشور در ضعیف‌ترین وضعیت خود از زمان حمله ۲۰۲۲ قرار دارد.

در مقابل، این طرح تنها تضمین‌های امنیتی مبهمی به اوکراین می‌دهد؛ اگر روسیه دوباره حمله کند، طرح خواستار یک پاسخ نظامی «قاطع و هماهنگ» از سوی غرب و بازگرداندن تحریم‌هاست اما فاقد جزئیات مشخص است. اگرچه اوکراین می‌تواند، عضویت اتحادیه اروپا را پیگیری کند و ۲۰۰ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدود شده روسیه (۱۰۰ میلیارد دلار از آمریکا

و ۱۰۰ میلیارد دلار از اروپا) برای بازسازی سرمایه‌گذاری می‌شود اما اوکراین با بی‌ثباتی سیاسی احتمالی نیز روبه‌رو می‌شود؛ طرح خواستار برگزاری انتخابات در ۱۰۰ روز است، اقدامی که می‌تواند زلنسکی را به عنوان یکی از اهداف دیرینه پوتین از قدرت کنار بزند. انگیزه اوکراین برای پذیرش این طرح به وضعیت میدانی بازمی‌گردد؛ آنها در شرق در حال از دست دادن زمین هستند و دوام در برابر کشوری با صنعت تسلیحاتی عظیم روز به روز دشوارتر می‌شود. پوتین نیز ممکن است، تلاش کند این فرصت را غنیمت بشمارد زیرا می‌داند ممکن است، اوضاع سیاسی در واشنگتن تغییر کند. اسکاوت بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعتراف کرد که تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه بی‌اثر هستند اما بر ترکیب ابتکارهای صلح کاخ سفید با فشار بر مسکو تأکید کرد، در حالی که مسیر فعلی نشان می‌دهد، فشار اصلی برای پذیرش یک صلح محدودکننده بر دوش کی‌یف است. این وضعیت، اوکراین را در آستانه یک تصمیم تاریخی و دردناک قرار داده است.



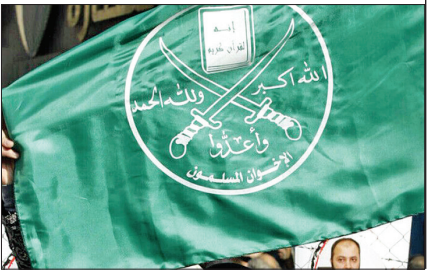
بازیابی توانمندی‌های حزب‌الله انجام خواهیم داد». او با ربط دادن ادامه تجاوزات به «ضرورت جلوگیری از بازسازی قدرت نظامی حزب‌الله» افزود که اسرائیل «همین سیاست را در غزه نیز دنبال خواهد کرد». نخست‌وزیر اسرائیل تأکید کرد که تل‌آویو برای حملات خود نیازی به تأیید هیچ طرفی ندارد و «اسرائیل مسئول امنیت خود است». این تحولات در حالی رخ می‌دهد که مقامات آمریکایی پیش‌تر به لبنان هشدار داده بودند که در صورت عدم خلع سلاح حزب‌الله، احتمال آغاز جنگی جدید از سوی اسرائیل وجود دارد. در فضایی که تنش میان تل‌آویو و بیروت رو به افزایش گذاشته، ترور طباطبایی می‌تواند نقطه‌ای تازه در تقابل‌های آینده باشد؛ تقابلی که بسیاری از تحلیلگران آن را «پیش‌درآمد دور جدیدی از درگیری‌ها» توصیف می‌کنند.

خاورمیانه

تصمیم تازه ترامپ

اخوان المسلمین در لیست گروه‌های تروریستی

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا شامگاه یک‌شنبه در سخنانی ادعا کرد: «معرفی اخوان‌المسلمین به عنوان سازمان تروریستی خارجی با قوی‌ترین و قاطع‌ترین لحن انجام خواهد شد». ترامپ به رسانه خبری «جاست د نیوز» گفت: «اسناد نهایی این اقدام در حال تهیه است». این رسانه آمریکایی گزارش داد: «جمهوری‌خواهان در مجلس نمایندگان و سنا به همراه برخی از دموکرات‌ها، وزارت امور خارجه ایالات متحده را تحت فشار قرار داده‌اند تا اخوان‌المسلمین را به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی معرفی کند. مارکو رویو، وزیر امور خارجه آمریکا در ماه آگوست اظهار کرد که معرفی اخوان‌المسلمین به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی در دست اقدام بوده اما این روند طولانی است». این رسانه افزود: «تعدادی از کشورهای خاورمیانه پیش از این علیه اخوان‌المسلمین اقداماتی انجام داده‌اند؛ مصر و اردن این گروه را ممنوع اعلام کرده‌اند و عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین، آن را یک سازمان تروریستی می‌دانند». این اقدام جریان ورود هرگونه منابع مالی آمریکایی به فعالیت‌های مرتبط با این گروه را متوقف می‌کند و ورود اعضای آن به آمریکا را نیز ممنوع خواهد کرد. این گزارش می‌گوید، این اقدام بر مقابله با تهدیدهای مرتبط با خرسونت یا ارباب تمرکز دارد. موضوع قرار دادن اخوان‌المسلمین در فهرست سازمان‌های تروریستی پیش‌تر در سال ۲۰۱۹ و در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ مطرح شده بود. آن زمان این گروه این اتهام‌ها را رد و اعلام کرده بود به فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز پایبند است. منابع نزدیک به دولت آمریکا می‌گویند، انتظار می‌رود این اقدام جریان تأمین مالی از آمریکا برای این گروه را قطع کند، ورود اعضای این گروه به آمریکا را با محدودیت همراه سازد و برخورد با شاخه‌های آن را بر اساس «ارزیابی موردی» ممکن کند. این اقدام ادامه رویکرد سخت‌گیرانه دولت ترامپ در قبال اسلام سیاسی ارزیابی می‌شود و همزمان برآوردها از احتمال افزایش واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در هفته‌های آینده حکایت دارد.



تئاتر

بندبازی بر لبه روایت

نگاهی به نمایش **تا هیچ چیز عوض نشود**



فرزانه امینی

فعال رسانه

تجربه نمایش «تا هیچ چیز عوض نشود» به کارگردانی نیما آقاخانی، شبیه تماشای بندبازی است که میان دو برج بلند با چوبی در دست، روی بندی باریک راه می‌رود؛ جایی که در هر قدم، هم غریزه بقا را می‌بینی و هم میل پنهان به سقوط. شاید این دو برج، استعاره‌ای باشند از دو مدیوم تصویر و صحنه؛ و آن چوب بلند، همان قصه لاتیموس که پیش‌تر در سینما با انسجامی بی‌رحمانه روایت شده بود. این بار اما همان چوب باید تعادل جهانی تازه را حفظ کند؛ جهانی که در آن بدن‌ها، سکوت‌ها، زمان ترک‌خورده و سایه‌های توالی اجرا و تصویر باید به زبانی مشترک برسند.

در این میان آنچه اهمیت پیدا می‌کند نه بازآفرینی یک روایت آشنا بلکه تلاش برای احضار دوباره «وضعیت» است؛ وضعیتی که در آن هر حرکت بدن، هر تأخیر نور و هر قطع ناگهانی صدا، بخشی از روایت محسوب می‌شود. نمایش در دقیقه‌های نخست این وضعیت را با دقتی مثال‌زدنی بنا می‌گذارد و فضای ذهنی تماشاگر را به سوی نوعی تماشای «تحلیلی» سوق می‌دهد؛ تماشاگری که باید قطعات را کنار هم بگذارد و گسست‌ها را نه ضعف که نشانه یک جهان‌بینی بداند. تماشای این بندبازی بی‌شک مهیج است؛ به‌ویژه آن لحظاتی که بندباز، آگاهانه پایش را بر بند می‌لغزاند تا تماشاگر را مسحور جساتش کند. اما درست همان جا که تعلیق باید هدیه کارگردان باشد، ناگهان لحظه‌ای واقعی و عریان از راه می‌رسد. لحظه‌ای که در آن هم بندباز و هم تماشاگر می‌فهمند این لغزش دیگر بخشی از «بازی» نیست؛ بلکه نشانه‌ای است از شکافی در ساختار، جایی که فرم برای لحظه‌ای کوتاه، تاب روایت را از دست می‌دهد. در این لحظات، نمایش به ناگزیر با مرز میان کنترل و بی‌نظمی رویه‌رو می‌شود؛ مرزی که بسیاری از آثار پست‌دراماتیک با آن مواجه هستند. هنر کارگردان در آن است که این مواجه را بدل کند به امکان، نه تهدید. در این نمایش اما در بعضی لحظات چنین می‌شود و در برخی دیگر، زبان بدن و تصویر از توان مدیریت این تنش بازمی‌مانند.

«تا هیچ چیز عوض نشود» تلاشی خلافانه و پر ارجاع برای ساختن فضایی بدنمند است؛ فضایی که می‌کوشد از هم‌افزایی تصویر و اجرا، جهان معنایی تازه‌ای بیافریند. جهانی که نه تقلید از روایت لاتیموس بلکه بازیگربندی حسی آن است. کارگردان در این مسیر از مقاله «آینده تراژدی» در کتاب تئاتر پست‌دراماتیک تا ارجاع‌های هوشمندانه به نمایشنامه آگاممنون را در تصویر جای می‌دهد تا از دل این منابع، یک وضعیت تراژیک معاصر بیرون بکشد؛ وضعیتی که در آن هر انتخاب، صورتی از حذف است.

این ارجاعات البته تنها تزئینات زیبایی‌شناختی نیستند؛ بلکه چون لایه‌هایی عمل می‌کنند که تماشاگر را وادار به مشارکت ذهنی می‌کنند. نمایش از مخاطب می‌خواهد همان قدر که بدن‌ها را تماشا می‌کند به تاریخ خشونت و سنت‌های نمایشی نیز فکر کند؛ به اینکه چگونه قدرت همواره در لحظه انتخاب، حذف را به‌عنوان ابزار اعمال خود به کار می‌گیرد. کارگردان به تهوری کم‌نظیر می‌کوشد، روایت پنهانی فیلم – که نقدی است بر سازوکارهای حکمرانی مدرن

و مکانیسم‌های دموکراسی انتخاب‌گر – را در بدن‌ها بازنویسی کند. بدن‌ها در این نمایش فقط حامل حرکت نیستند؛ آینه‌هایی‌اند برای بازتاب خشونت، خشونتی که قرار است با زبان اجرا زودده شود اما در لایه‌های حذف و کتمان، گاه سنگین‌تر بازمی‌گردد.

در اینجا بدن بدل می‌شود به میدان سیاست؛ جایی که حتی سکون نیز معنایی سیاسی پیدا می‌کند. این فهم بدنمند خشونت از نقاط قوت اثر است و نشان می‌دهد، گروه اجرا به جای آنکه روایت را صرفاً تقلید کنند، آن را از نو «ترجمه» کرده‌اند؛ ترجمه‌ای که زبانش عضله، مفصل و مکث است. در صحنه فلج شدن «یاب» این تلاش به نقطه اوج می‌رسد. ما تنها صدای کیم را داریم – روایتی سرد و تقریباً گزارش‌شی – اما در صحنه بدن‌هایی را می‌بینیم که میان درد و بی‌حرکتی، معنا را از صدا جدا و به جسم منتقل می‌کنند. شکاف میان شنیدن و دیدن، درست همان جایی است که نمایش زبان خودش را پیدا می‌کند. در این صحنه، نوعی تقابل بنیادین میان «روایت» و «بدن» شکل می‌گیرد؛ روایتی که می‌کوشد، تسلط داشته باشد و بدنی که در برابر این تسلط مقاومت می‌کند. همین مقاومت است که لحظه تراژیک را زنده می‌کند و اثر را از سطح بازآفرینی فاصله می‌دهد. اما این دستاورد در همه صحنه‌ها امتداد ندارد. در بخش‌هایی معادله با مجهولات بسیاری رویه‌رو می‌شود به‌خصوص زمانی که منطق زمانی روایت می‌شکند. نه آن شکست زیبایی‌شناختی آگاهانه بلکه نوعی گسست نامنسجم که تماشاگر را در تعلیقی بی‌یاداش معلق می‌گذارد. این تعلیق در آغاز جذاب است اما بعدها به «ابهامی زائد» بدل می‌شود که رمزگشایی اثر را دشوار می‌کند. نمونه بارز این وضعیت، صحنه ماکارونی خوردن مارتین است؛ صحنه‌ای که از نظر تمثیلی یکی از قدرتمندترین لحظات نمایش است، کنایه‌ای به بلعیده شدن معصومیت، به مصرف خشونت و به روزمره شدن امر تراژیک. اما معنای این صحنه آن قدر در لایه‌های بدن و تصویر پراکنده می‌شود که بازگشایی‌اش برای مخاطب به تعویق می‌افتد. همین صحنه فرصتی بود برای تثبیت زبان بصری اثر اما به‌جای آن، تصویر در مرز استعاره و اغتشاش معلق می‌ماند و بسیاری از نشانه‌ها، سرنخ کافی برای کامل شدن به مخاطب نمی‌دهند. این گسست، اگرچه ناخواسته، باعث می‌شود آن دقت اولیه در ساخت جهان اثر، کمی فرو بریزد.

در بسیاری از سکانس‌های پایانی، گنگی اجرا بر زبان کتمان‌گر اثر غلبه می‌کند و این تفاوتی بنیادی است: کتمان، بخشی از زیبایی‌شناسی است؛ گنگی، بخشی از نقصان اجرا. با این همه، نمایش در تلاش صادقانه‌اش برای ساختن نسبیتی تازه میان «اجرا و قدرت»، «بدن و حکمرانی» و «روایت و حذف»، تجربه‌ای ارزشمند باقی می‌ماند. حتی زمانی که می‌لغزد، در مسیری می‌لغزد که ذاتاً پرخطر است؛ مسیری که بدون جسارت اصلاً قابل پیمودن نیست. و شاید در نهایت بتوان گفت، این اثر بیش از آنکه «بازروایی» یک روایت باشد، بازجست‌وجوی امکان‌های آن است؛ بازگشتن به همان بند باریک میان دو برج، با این پرسش که آیا می‌توان روایت را از جنگ فیلم بیرون کشید و دوباره در بدن انسان نوشت؟ پرسشی که نمایش، حتی اگر به آن پاسخی مشخص ندهد، در تلاش بی‌وقفه و جست‌وجوگرانه‌ظ تماشاگر را به مشارکت در خطر دعوت می‌کند.

مدافع هویت ایرانی

هادی مرزبان کارگردان و بازیگر در ۸۱ سالگی درگذشت

استادان در دانشگاه به محض اینکه پا به کشورهای دیگر می‌گذارند، شناسنامه و هویت‌شان را از یاد می‌برند. یادشان می‌رود که اینجا حماسه فردوسی را داریم، سعدی و حافظ و مولانا داریم. متأسفانه یکی از استادان دانشگاه به یکی از بازیگران من گفته بود اصلاً درام ایرانی نداریم. فکر می‌کند، آن دانشگاه را فقط او رفته است. فکر می‌کند اگر فرنگ رفته فقط او رفته است. تئاتر ایرانی برای من مهم است و به آن افتخار می‌کنم».

همین‌طور هم بود. او شهره به اجرای نمایش‌های ایرانی بود و با عشق و افتخار، انواع این نمایش‌ها را به شیوه‌های مختلف نمایش ایرانی از روحوضی تا طرب‌خوانی به اجرا درمی‌آورد. تلاش می‌کرد، اجراهایش تلفیقی از گونه‌های نمایشی ایرانی باشد و با موسیقی ایرانی، آن را همراه می‌کرد.

مرزبان دانش‌آموخته رشته بازیگری و کارگردانی از پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ بود و فعالیت خود را در تئاتر از سال ۱۳۴۵ آغاز کرد و به بازیگری در تئاتر پرداخت. در نمایش‌هایی به کارگردانی مصطفی اسکویی و حمید سمندریان بازی کرد و پس از آن راهی لندن شد از دانشگاه بورنل این شهر مدرک کارشناسی ارشد طراحی و کارگردانی تئاتر را در سال ۱۳۵۷ دریافت کرد. پس از انقلاب به ایران بازگشت و کارگردانی تئاتر را آغاز کرد. او بیش از ۱۵ تله‌تئاتر را در تلویزیون کارگردانی کرد و در کنار کارگردانی به بازی در نمایش‌های تلویزیونی هم پرداخت.

او هم بازیگر خوبی بود و هم کارگردانی که می‌دانست چطور باید تماشاگر را به سالن تئاتر بیاورد. بیشتر اجراهایش پرتماشاگر بود و می‌دانست چطور مخاطب را راضی از سالن نمایش بیرون بفرستد. متن‌هایی هم که انتخاب می‌کرد، اثر نویسندگانه‌ها حاذق بود و می‌دانست چه نمایشنامه‌ای به درد اجرای صحنه می‌خورد. همسرش فرزانه کابلی هم تقریباً در تمامی نمایش‌هایش به عنوان بازیگر حضور داشت و این دو زوج هنری خوبی بودند که هم در زندگی و هم در کار، همراه خوبی برای هم بودند. می‌گفت: «خدا را شکر از زندگی با فرزانه راضی‌ام. هیچ اختلافی نداریم و در کار هم خیلی از همدیگر استفاده کردیم. من از فرزانه در کارها خیلی استفاده کردم به خصوص از طراحی‌هایش و نیز بازی‌اش مثلاً در همان نمایش تانگوی تخم‌مرغ داغ، فرزانه در آن جایزه بهترین بازیگر زن را گرفت. خیلی با هم کار می‌کردیم و فرزانه هم همیشه می‌گوید: هادی وقتی تئاتر کار می‌کند خیلی بد اخلاق می‌شود و ما دعوایمان فقط در آن موقع است. اگر فرزانه کاری روی صحنه نداشته باشد، پشت صحنه به عنوان طراح حرکات، خیلی جاها به درد کار من خورده است».

مرزبان یکی از آخرین کارگردانان نمایش ایرانی بود که تعصب خاصی بر اجرای این نمایش‌ها داشت. شاید در حال حاضر هیچ کارگردانی در تئاتر در این زمینه به پای او نمی‌رسد و به احتمال زیاد از این پس نمی‌توان کارگردانی را در تئاتر پیدا کرد که مانند او بر اجرای متون ایرانی تعصب داشته باشد و به آن افتخار کند.



هادی مرزبان نویسنده، بازیگر و کارگردان تئاتر و سینمای ایران که مدتی به دلیل بیماری در بیمارستان نیکان غرب بستری شده بود، صبح یک‌شنبه دوم آذر در ۸۱ سالگی درگذشت. این خبر را پیش از رسانه‌ها، همسرش فرزانه کابلی بازیگر تئاتر و تلویزیونی با ضبط ویدئویی از مقابل بیمارستان اعلام کرد. ایسن کارگردان مدتی بود که به دلیل توموری که در لوزالمعده داشت در بیمارستان بستری شده بود و در روزهای پایانی عمرش به دلیل وخامت حال به آی‌سی‌یو منتقل شد. این توده باید از لوزالمعده خارج می‌شد اما مرزبان به دلیل وضعیت جسمی و سن بالا آمادگی این جراحی را نداشت و در دو روز پایانی به دلیل وخامت حال با تزریق آمپول بیهوشی در خواب مصنوعی به سر می‌برد.

فرزانه کابلی پس از مرگ مرزبان گفت: تمام سعی خودم را کردم که هادی به خانه بازگردد، هر روز مطمئن و محکم بودم که هادی به خانه بازمی‌گردد، تمام خانه را برای بازگشتش آماده کرده بودم اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد. باورم نمی‌شود که هادی مرزبان رفت.

هادی مرزبان از چهره‌های شاخص تئاتر معاصر ایران بود؛ هنرمندی که عمرش را بر صحنه گذاشت و در تمام بیش از نیم قرن فعالیت هنری به تئاتر ایرانی وفادار ماند. او از مهم‌ترین مفسران و احیایان نمایش ایرانی محسوب می‌شد. مرحوم اکبر رادی، نمایشنامه‌نویس معاصر ایرانی مجوز اجرای آثارش را از میان تمامی کارگردانان ایرانی تنها به هادی مرزبان داده بود و او بود که فقط می‌توانست نمایشنامه‌های رادی را به صحنه بیاورد. چراکه مرزبان برخلاف دیگر کارگردانان در آثار رادی، تغییری اجرا نمی‌کرد و نمایشنامه را به همان شکل و شمایل اصلی خود به صحنه می‌برد. مرزبان طی چهار دهه ۱۰ اثر معروف اکبر رادی را روی صحنه برد. او در تدارک اجرای تازه‌ترین نمایشش با نام «پریزاد» بود که نتوانست آن را به سرانجام برساند. این نمایش هم قصه‌ای ایرانی داشت. داستان نمایش «پریزاد» به دهه ۲۰ برمی‌گردد، زمانی که رضا خان رفته بود و محمدرضا پهلوی، جانشین او شده بود. در آن مقطع گروهی از ایرانیان از ایران به روسیه مهاجرت کردند. در این نمایش عده‌ای از مردم در یک شب سرد برفی در قهوه‌خانه‌ای متروکه گرد هم می‌آیند و ماجراهایی رخ می‌دهد.

مرزبان حدود ۴۶ سال در تئاتر ایران، نمایش به صحنه برد. در تمامی این مدت دل در گروه نمایش ایرانی داشت و با وسواس و حساسیت خاصی، نمایش‌های ایرانی را به شیوه‌های مختلف این نمایش به اجرا درمی‌آورد. همین چند ماه پیش بود که در افتتاحیه یک نمایش گفته بود: «سال ۱۳۵۸ که بسیاری از شما هنوز متولد نشده بودید، اولین نمایشم را پس از تحصیل در انگلستان با عنوان «طائب» اینجا اجرا کردم که بر اساس یک قصه محلی مازندرانی بود. از آن سال در این سالن نمایش‌های ۱۰۰ درصد ایرانی را اجرا کرده‌ام و این را از افتخارات خودم می‌دانم».

او همیشه منتقد این بود که هنرمندان ایرانی تمایل بیشتری به اجرای نمایشنامه خارجی دارند و می‌گفت: «برخی از



آگهی مزایده عمومی مدیریت بانک کشاورزی استان تهران

احتمالی بعد از سند رهنی، حق الوکاله وکیل و اخذ و پاسخ هرگونه استعلام از مراجع ذیربط و ... مربوط به ملک به عهده برنده مزایده میباشد. ۷- واگذاری از طریق مایعیه نامه بوده که پس از اخذ مقاصد حساب های مربوطه توسط خریدار و پس از حصول شرایط قراردادی، از طریق وکالتنامه و یا حسب مورد، انتقال قطعی در دفتر اسناد رسمی، منتقل خواهد گردید. ۸- در مواردی که سرقطی واگذار میگردد اخذ رضایت نامه مالک برعهده برنده مزایده میباشد. ۹- بانک در رد یا قبول پیشنهادها مختار است. ۱۰- عرصه و اعیان مندرج در روزنامه براساس متر مربع و قیمت پایه بر اساس ریل میباشد. ۱۱- در خصوص املاک صنعتی که عرصه و اعیان توأم با ماشین آلات منصوبه و اگذار میگردد، ارائه تضمین معتبر به میزان ارزش ماشین آلات الزامی میباشد. ۱۲- هزینه خرید اوراق مزایده بابت هر پیشنهاد ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریل میباشد که می بایست به حساب شماره ۸۴۵۸۸۱۸۵ بانک کشاورزی واریز گردد. ۱۳- اولویت فروش بصورت نقدی میباشد و پذیرش سایر پیشنهادات برابر دستورالعملهای بانک مرکزی بررسی میگردد. ۱۴- متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر، دریافت توکن و آرایه پیشنهادات خود به درگاه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir تحت شماره مزایده ۰۴۰۳۲۰۰۰۰۹۰۴۰۰ مراجعه نمایند.

[illegible]

مدیریت بانک کشاورزی استان تهران در نظر دارد تعدادی از املاک مزاد خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. متقاضیان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اسناد مزایده، از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ صرفاً به درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند، همچنین جهت بازدید و ملاحظه نظریه کارشناسی همه روزه به جز ایام تعطیل از ساعت ۸ الی ۱۲ به مدیریت استان تهران واقع در خیابان سه‌رودی شمالی، خیابان زینالی شرقی، پلاک ۷۲، کدپستی ۱۵۶۸۶۴۴۶۱۳ مراجعه یا با شماره تلفن ۰۱۱۵۳۳-۸۶-۰۲۱ تماس حاصل نمایند. آخرین مهلت ثبت پیشنهاد قیمت به همراه سایر مستندات ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ و بازگشایی پاکتها روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ راس ساعت ۱۰ در محل مدیریت و با حضور اعضا کمیسیون صورت میگیرد. حضور شرکت کنندگان اختیاری و منوط به هماهنگی قبلی و ارائه رسید تحویل پاکت و کارت شناسایی معتبر میباشد. شرایط و نحوه شرکت در مزایده: - مبلغ سپرده شرکت در مزایده معادل ۵/۵ مبلغ پایه مندرج در آگهی مزایده می باشد که متقاضیان بایستی وجه مذکور را به عنوان سپرده شرکت در مزایده الزاماً در قالب ضمانت نامه بانکی (به غیر از بانک کشاورزی) و چک بانکی تضمین شده یا رسید ارباب وجه نقد به حساب شماره ۸۴۴۵۸۸۱۸۵۰

ردیف	نشانی	پلاک ثبتی	کاربری	عرصه (متر مربع)	اعیان (مترمربع)	قیمت پایه (ریال)	نوع مالکیت	توضیحات	نوع واگذاری
۱	ستارخان بعد از برق آلستوم پلاک ۵۰۵	پلاک ۴۰۰۸۷۶ از ۲۳۹۵ اصلی	آپارتمان	-	۱۱۶,۳	۵۴,۳۷۰,۲۵۰,۰۰۰	۳/۳ دانگ از ۶ دانگ	آپارتمان دو خوابه نمانسنگ دارای آسانسور، انباری با امتیازات آب و برق و گاز (متصرف دارد)	نقدی
۲	حسن آباد شافویه فریه بیچین مجتمع دام گستر بلوک ۱۲۵	۱۰۰۶ فرعی از ۳۴ اصلی	دامداری	۸۷۶۰	۱۴۵۶,۰۰	۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۳/۱۹ سهم از ۱۰۰ سهم	قطعه زمین با کاربری دامداری دارای اصطبل و گوساله دانی بهاریند موتورخانه با تاسیسات انباری، استخر ذخیره آب با امتیاز برق ۳ فاز ۲۵ کیلووات (متصرف دارد)	۱۰٪ نقد الباقی اقساط ۵ ساله
۳	ورامین دمزآباد	پلاک ۱۲۴ از ۹۰ اصلی	دامداری	۲۰۸۲۰	۱۵۲۹,۰۰	۶۱,۴۶۱,۲۷۰,۰۰۰	۳/۵۱ دانگ از شش دانگ	زمین زراعی با کاربری پرواریندی گوساله دارای پروانه بهره برداری از سازمان جهاد کشاورزی استان تهران بصورت غیر فعال با انشعاب برق و گاز و یک حلقه چاه کم عمق فاقد مجوز (متصرف دارد)	۱۰٪ نقد الباقی اقساط ۵ ساله
۴	ملارد صفادشت زرین آباد	پلاک ۷۱ فرعی از ۲۰۱ اصلی	باغ	۹۸۸۷	۰,۰۰	۲۰,۵۹۸,۳۳۷,۵۰۰	۰/۸۹۹ دانگ از شش دانگ	زمین محصور با دیوار احداثی به مساحت ۱۰۹۹۸ متر مربع فاقد انشعابات دارای حدود ۷۰۰ اصله درخت پسته با سن متوسط ۸ تا ۱۰ ساله (متصرف دارد)	۱۰٪ نقد الباقی اقساط ۵ ساله
۵	ملارد لم آباد خیابان دوم آزادگان کوچه پانزنان	پلاک ۱۱۲۵ فرعی از ۸۲ اصلی	گلخانه	۱۰۲۹۵	۵۰۰۰,۰۰	۱۰۲,۴۱۷,۸۴۸,۶۳۳	۰/۹۰۵ دانگ از شش دانگ	گلخانه با پرورش گل و گیاه به روش هیدروپونیک و همچنین درختان میوه و حدود ۱۵۰۰ متر مکعب استخر ذخیره آب با بتن و ساختمان مسکونی، موتورخانه دارای انشعاب برق ۳ فاز ۳۰ کیلو وات (متصرف دارد)	۱۰٪ نقد الباقی اقساط ۵ ساله
۶	پاکدشت روستای حصار مهر	پلاک ۲۷ فرعی از ۱۳۹ اصلی	گلخانه	۵۶۱۷۶/۱	۴۷۵۰۰	۹۸,۴۶۰,۰۰۰,۰۰۰	میزان ۰/۸۹۸۸۱ دانگ از شش دانگ	سه سازه گلخانه شامل سوله فلزی بناهای کارگری و مجموعه بناهای خدماتی و تاسیساتی شامل موتورخانه، خنک کننده، تجهیزات سیستم آبیاری، اتوماسیون، چیلر و ژنراتور و استخر و سردخانه اتاق نگهداری و سردخانه (متصرف دارد)	۱۰٪ نقد الباقی اقساط ۵ ساله
۷	فیروزکوه - امیریه - خیابان امام رضا کوچه دلنوازان	پلاک ۲۸ فرعی از ۲۰ اصلی	دامداری	۱۰۰۰۰	۱۶۸۶	۸۹,۳۲۰,۰۰۰,۰۰۰	میزان ۳۰۰۸ دانگ از شش دانگ	واحد پرورش گاو شیری دارای پروانه بهره برداری از سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی با انشعاب آب و برق ۲۵ آمپر و گاز در فاصله ۷۰۰ متری از اتوبان فیروزکوه به مازندران (متصرف دارد)	۱۰٪ نقد الباقی اقساط ۵ ساله
۸	سعادت آباد پایین تراز میدان کاج خیابان کیان ۱۳ پلاک ۷ طبقه اول واحد ۳	پلاک ۳۵۴۹ فرعی از ۲۲ اصلی	آپارتمان	-	۲۰۹/۴۱	۵۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	شش دانگ	آپارتمان مسکونی در غرب طبقه اول، سه خوابه دارای پارکینگ انباری و انشعابات برق اختصاصی و گاز و آب آشترکی با دسترسی به پاسیو و سیستم گرمایش شوفاژ با موتور خانه مرکزی (متصرف دارد)	نقدی
۹	جاده پیشوا به سلمان آباد بعد از ایستگاه راه آهن	پلاک ۱۰۰۲ از ۱۱۲ اصلی	دامداری	۱۵۳۰	۶۱۷	۵۳,۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰	شش دانگ	یک قطعه زمین با کاربری دامداری فاقد فعالیت با قدمت بالغ بر ۲۰ سال با چندین درخت، دارای پروانه بهره برداری (با فرمت قدیمی) با ظرفیت ۷۵ رأس جهت پرورش گوساله اصیل پرواری از سازمان جهاد کشاورزی استان تهران (در تصرف بانک)	۱۰٪ نقد الباقی اقساط ۵ ساله
۱۰	پاکدشت روستای چنگی	پلاک ۸۳ فرعی از ۳۹ اصلی	مزروعی	۲۵۰۰	-	۱۰,۳۷۵,۰۰۰,۰۰۰	میزان ۰/۴۹۸ دانگ از شش دانگ	زمین زراعی بدون کشت و حصار دارای ۴۵ اصله درخت مثمر و غیر مثمر با سن میانگین ۱۵ تا ۲۰ ساله در حاشیه مرزی زمین و ۱۶ اصله درخت انگور می باشد (متصرف دارد)	۱۰٪ نقد الباقی اقساط ۵ ساله
۱۱	پاکدشت روستای علی آباد	پلاک ۴۵ فرعی از ۱۲۵ اصلی	مزروعی	۱۳۶۳۰۰	-	۴۸,۹۴۸,۰۰۰,۰۰۰	میزان ۰/۶۸۳ دانگ از شش دانگ	قطعه زمین مزروعی محاط در سایر قطعات و تحت کشت بوده و منابع آن از موتور آب محلی روستا می باشد (متصرف دارد)	۱۰٪ نقد الباقی اقساط ۵ ساله
۱۲	ورامین پیشوا جاده سلمان آباد	پلاک ۱۸ فرعی از ۱۶۷ اصلی	گلخانه	۱۲۰۰۰	-	۱۸۵,۷۲۴,۰۰۰,۰۰۰	سه سهم از ۲۳ سهم	گلخانه غیر فعال دارای استخر ذخیره آب با انشعاب برق ۳ فاز ۲۵ آمپر با دیوار کشی حیاط (در تصرف بانک)	۱۰٪ نقد الباقی اقساط ۵ ساله
۱۳	دماوند سربندان	پلاک ۶۹ فرعی از ۹۳ اصلی	مزروعی	-	-	۴۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	میزان ۰/۵ دانگ مشاع از شش دانگ	زمین مزروعی واقع در دماوند بصورت حدی به حدی بدون حدود اربعه فاقد انشعابات (دعوی و متصرف دارد)	۱۰٪ نقد الباقی اقساط ۵ ساله

م الف ٣١١٥

شناسه آگهی: ۲۰۵۰۵۹۰



 @saazandeginews



 www.saazandegi.ir

ادامه یادداشت روز

وضعیت اضطرار و بازسازی کابینه

تعامل با نهادهای قدرت نیز باید هوشمند، برنامه‌محور و مبتنی بر خطوط قرمز مشترک باشد تا دولت از «مسئول بی‌اختیار» به «مدیر توانمند» تبدیل شود. ارائه بسته‌های اصلاحی روشن در حوزه امنیت انرژی، محیط کسب‌وکار و حکمرانی دیجیتال و تضمین آزادی عمل دولت در اجرای برنامه‌های رفاهی، اقتصادی و اجتماعی، شرط اثرگذاری واقعی است. وعده‌های انتخاباتی نیز باید اولویت‌بندی شوند: تمرکز بر ثبات اقتصادی، شفافیت و بهبود فضای کسب‌وکار در سال دوم و حرکت به سمت اصلاح ساختار بودجه، توسعه منطقه‌ای و توجه جدی به محیط‌زیست در میان‌مدت، امکان تحقق واقعی وعده‌ها را فراهم و حس پیشرفت ملموس را به مردم منتقل می‌کند.

تحول واقعی حکمرانی از کارآمدی آغاز می‌شود، نه از شعار. بازسازی کابینه، بازطراحی نظام تصمیم‌گیری، اصلاح سیاست‌های اقتصادی و رسانه‌ای، بازسازی سرمایه اجتماعی و تعامل هوشمندانه با نهادهای قدرت، تنها مسیر رسیدن به دولتی پاسخگو و مقتدر است. اگر امروز این فرصت تاریخی از دست برود، هزینه آن مستقیماً بر مردم و بر سرمایه اجتماعی کشور تحمیل خواهد شد. زمان اقدام فرا رسیده و هیچ تأخیری جایز نیست. به امید ایرانی آباد و سربلند.

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۰۸۰۰۲۰۶۴/۰۴۰۳۱۲۰۰۴۶۰۱۴۰ تاریخ ۱۴۰۴/۴/۱۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۰۲۵۴/۴۹۷۹۴۷۰۰۳۰۰۲۴۰/۰۱۰۹۲۴۰/۲۶۹۴۴۴۱۰۱ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی خاتم خدیجه توکلی فرزند محمد کریم به شماره شناسنامه ۱۵۹۴ کد ملی ۴۹۷۹۴۷۰۰۲۵۴ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰۷/۸۸۵۶ متر مربع، مغروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۲ -اصلی واقع در اراضی قریه دوگونجی بخش ۶-حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الفـ ۹۹۱

تاریخ انتشار نوبت اول: روزسه شنبه ۱۴۰۴/۹/۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۹/۱۹

علی‌برقی
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

ادامه تیتیر یک

کارتل‌های فساد

در همین زمینه رئیس مرکز اطلاعات مالی نیز با اشاره به احتمال پولشویی در فرآیند قاچاق حامل‌های انرژی گفت: مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد رسماً به موضوع جابه‌جایی ۱۱ هزار میلیارد تومان توسط قاچاقچیان ورود کرده است. وی افزود: ما از پلیس امنیت اقتصادی درخواست کردیم که اطلاعات خود را به وزارت اقتصاد ارائه کند. هرچند این تحلیل خیلی بدبینانه است اما اجازه دهید از این خبر هولناک وحشت کنیم. این یعنی خبر شکل‌گیری رسمی کارتل‌ها در ایران. یعنی در حالی که دولت کسری بودجه در آموزش و بخش بهداشت دارد، قاچاقچی می‌تواند ۱۱ هزار میلیارد تومان جریمه بپردازد و خودش را خلاص کند. آنچه در مقام رسمی اعلام کرده‌اند فقط یک خبر پلیسی نیست: نشانه‌ای روشن از شکل‌گیری کارتل‌های واقعی در ایران است. کارتل‌هایی که پول نقدشان آماده است، حساب‌های بانکی‌شان فعال، وکیل و روابط‌شان در همه سطوح گسترده و احتمالاً برخی مدیران بانکی و مسئولان محلی هم در حلقه‌های فرعی‌شان حضور دارند. همان الگویی که در کلمبیا دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مشاهده شد؛ ابتدا قاچاقچیان کوچک با سودهای مختصر ظاهر می‌شوند، بعد شبکه‌های بزرگ‌تر می‌سازند سپس با پول‌شان پلیس، قاضی، نماینده مجلس و حتی وزرا را می‌خرند و در نهایت به جایی می‌رسند که دولت در برابرشان کم می‌آورد.

دستور پخت مافیا

گروه‌های تبهکار اغلب دستپخت سیاستمداران هستند. اقتصاددانان می‌گویند، منشأ همه ناپاکی‌ها سیاست‌گذاری‌های غلط هستند. در کشور ما هم سیاست‌های اقتصادی غلط که قاچاق گسترده را به دنبال داشته، مسبب شکل‌گیری گروه‌های خلافکار است. چند سال پیش سربالی به نام اوزراک، همه نگاه‌ها را به خود خیره کرد. اوزراک داستان مردی به نام «مارتی بیرد» و خانواده‌اش را روایت می‌کرد که خلافکار نبود اما به شکلی ناخواسته در مسیر تبهکاری قرار گرفت. داستان اوزراک از نظر تبدیل شدن یک متخصص در حوزه مالی به یک تازه‌کار در حوزه پولشویی سپس تبدیل شدنش به یک خلافکار بزرگ در این حوزه همچنین درگیر شدن خانواده‌اش در این فرآیند بسیار شبیه به داستان سربال «برکینگ بد» است. سربالی نام‌آشنا که در آن، یک معلم شیمی ابتدا به یک تولیدکننده مواد مخدر خرده‌پا تبدیل می‌شود سپس با باندهای مخوف تبهکاری ارتباط می‌گیرد و به راس هرم می‌رسد. بله، اغلب اوقات باندهای بزرگ خلافکار، بنیان‌گذاری کوچکی و شریف دارند.

در کلمبیا هم همه چیز از همین جا شروع شد. ابتدا کشاورزان فقیر کوکا کاشتند، بعد دلالان محلی، بعد کارتل‌ها شکل گرفتند. نتیجه؟ دولت عملاً در بخش‌های

بزرگی از کشور غایب شد و کارتل‌ها حاکم بلامنازع شدند. در کشور ما هنوز قدرت نظامی گروه‌های تبهکار از قدرت نیروهای نظامی رسمی فراتر نرفته اما به نظر می‌رسد، قدرت مالی این گروه‌ها در حال اوج گرفتن است. ایران هنوز به آن مرحله نرسیده اما مسیر دقیقاً همان است. وقتی یک قاچاقچی می‌تواند ۱۱ هزار میلیارد تومان را در یک ساعت بپردازد، یعنی گردش مالی‌اش آن‌قدر بالاست که جریمه هم برایش صرفاً هزینه کسب‌وکار محسوب می‌شود. وقتی باند «طوفان» با گردش مالی ۱۶۷ هزار میلیارد تومان منهدم و مشخص می‌شود، مدیران بانکی هم در آن دخیل بوده‌اند یعنی شبکه دیگر فقط قاچاقچی نیست؛ یک ساختار موازی قدرت است. فرمول تولید مافیا همیشه یکسان است و اقتصاددانان به‌خوبی آن را توضیح داده‌اند. سیاستگذاری غلط منجر به ایجاد رانت و سودهای غیرعادی می‌شود. بعد بازیگران کوچک وارد می‌شوند. مرحله بعد، انباشت سرمایه و گسترش شبکه است که با خرید مأموران گمرک، پاسگاه‌ها، برخی قضات و مدیران میانی همراه می‌شود. بعد این گروه‌های ثروتمند با نفوذ با ساختار قدرت ادغام می‌شوند و در سیاستگذاری نفوذ می‌کنند و برای حفظ یا تشدید همان سیاست‌های رانتی، لابی می‌کنند. به این ترتیب گروه‌های کوچک به قدرت غیرقابل مهار تبدیل می‌شوند که پلیس و قوه قضائیه هم دیگر نمی‌توانند با آنها در بیفتند. ما اکنون در مرحله چهارم هستیم. هنوز تیراندازی در خیابان‌های تهران نداریم اما پرداخت آتی ۱۱ هزار میلیارد تومان جریمه یعنی این گروه‌ها به مرحله‌ای رسیده‌اند که دیگر از مجازات نمی‌ترسند؛ چون می‌دانند پولشان آنها را نجات می‌دهد.

اقتصاددانان می‌گویند، وقتی سیاست نادرستی تدوین می‌شود و زمینه فساد را به وجود می‌آورد، ابتدا گروه‌های کوچک خلافاکاری شکل می‌گیرند. این گروه‌های کوچک با پرداخت رشوه به پلیس‌های محلی و قضات شهرهای کوچک، رفته‌رفته قلمرو خود را بزرگ می‌کنند. بعد همین‌طور که بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شوند، سیاستمداران و پلیس‌ها و قضات بیشتری را به فساد می‌کشانند. بعد با گروه‌های مشابه خود بر سر قلمرو دیگر می‌شوند و صحنه‌های جنگ واقعی راه می‌اندازند. تحریم هم مثل بنزین روی این آتش عمل کرده است. وقتی مسیرهای رسمی بسته می‌شود، مسیرهای غیررسمی باز می‌شود و کسانی که حاضرند رشوه بدهند، ریسک کنند و قانون را دور بزنند، برنده میدان می‌شوند. نتیجه؟ اقتصاد رسمی روزبه‌روز کوچک‌تر و اقتصاد زیرزمینی بزرگ‌تر می‌شود. وقتی فعال اقتصادی سالم باید ماه‌ها در صف تخصصی ارز بماند اما قاچاقچی با یک تماس تلفنی، کانتینرش را از گمرک بیرون می‌کشد، طبیعی است که نسل بعدی کارآفرینان به جای ثبت شرکت به فکر تشکیل باند بیفتند. خطر واقعی اینجاست. اگر همین روند ادامه یابد چند

سال دیگر با کارتل‌هایی روبه‌رو خواهیم بود که نه تنها پول دارند بلکه مسلح هم خواهند شد. آن وقت دیگر بحث فقط اقتصادی نیست؛ امنیت ملی مستقیماً تهدید می‌شود. درست مثل کلمبیا که در دهه ۱۹۹۰ روزانه چند بمب‌گذاری داشت و دولت عملاً کنترل بخش‌هایی از کشور را از دست داده بود.

تنها راه جلوگیری، پایان دادن به سیاست‌هایی است که این رانت عظیم را خلق کرده‌اند؛ حذف تدریجی یارانه پنهان سسوخ، واقعی کردن قیمت‌ها، شفافیت کامل در تخصیص سهمیه، مبارزه واقعی با فساد در سطوح بالا و مهم‌تر از همه، بازگشت به اقتصاد رقابتی و شفاف که در آن سودهای نجومی غیرعادی وجود نداشته باشد. اگر امروز جلوی این روند گرفته نشود، فردا دیگر دیر است. آن روز قاچاقچی ۱۱ هزار میلیارد تومان را یک ساعت پرداخت نمی‌کند؛ بلکه اصلاً جریمه نمی‌شود چون قاضی، پلیس و وزیر را خریده است. آن روز دیگر بحث «قاچاق» نیست؛ بحث «کارتل‌هایی که بخشی از حاکمیت را در دست دارند» است. ایران هنوز فرصت دارد از مسیر کلمبیایی شدن بازگردد اما این فرصت خیلی کوتاه است. هر ماه که سیاست‌های رانتی ادامه یابد یک قدم به پرتگاه نزدیک‌تر می‌شویم. ۱۱ هزار میلیارد تومان در یک ساعت فقط یک زنگ خطر نبود؛ یک آژیر قرمز بود که اگر به آن بی‌اعتنایی کنیم، صدای انفجارهای بعدی را هم خواهیم شنید.

یکی از تحلیل‌گران اقتصادی درباره جابه‌جایی ۱۱ هزار میلیارد تومان گفت: «اگر کسی بتونه یک ساعتِ این پول رو جابه‌جا کنه، یعنی شبکه‌اش در تمام لایه‌ها نفوذ داره؛ یعنی تو هر حلقه‌ای به آدم خودش رو گذاشته؛ یعنی از مرحله قاچاق گذشته.» توضیحش ساده بود: «این یعنی شروع کارتل.»

هیچ کشوری یک‌شبه شبیه کلمبیا نشده؛ فرآیند همیشه تدریجی بوده. یک‌دفعه می‌بینی مرزها زیر کنترل دولت نیست. بعد می‌بینی نهاد رسمی مجبور است با گروه غیررسمی مذاکره کند. بعدتر، سیاستمداران می‌فهمند که برای انتخاب شدن باید به بعضی شماره‌ها زنگ بزنند. در ایران هنوز به آن نقطه نرسیده‌ایم، اما پویش در هواس‌ت. هر بار که یک رانت جدید یا اختلاس بزرگی کشف می‌شود، هر بار که یکی مسیر رسمی را بُند و فاسد می‌کند، هر بار که یک قاچاقچی بدون ترس جریمه‌ه را پرداخت می‌کند، نقطه‌ای در نقشه ایران پررنگ‌تر می‌شود.

هیچ کشوری با اقتصاد زیرزمینی چاق و اقتصاد رسمی نحیف پایدار نمی‌ماند؛ و هیچ نظام سیاسی‌ای نمی‌تواند تا ابد با شبکه‌هایی رقابت کند که می‌توانند در یک ساعت ۱۱ هزار میلیارد تومان تکان بدهند. هنوز فرصت هست؛ اما نه زیاد. اگر اصلاحات واقعی شروع نشود، چند سال بعد این سؤال پشت تمام گزارش‌ها تکرار خواهد شد: «چه شد که کارتل‌ها از اقتصاد ایران بالا رفتند و صاحب نفوذ شدند؟»

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دستجرد

۸- رأی شماره ۰۳۰۰۳۹۵۶/۰۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۳۰۰ مربوط به پرونده کلاسه ۰۳۸۵۷۹۶۲۱۸/۴۲۸۹۳۳۲۸۱۶۴۹۹۳۹۰۳۸۵۷۹۶۲۱۸ مربوط به تقاضای آقای/خانم علی گل وردی فرزند اسمعیل، در قسمتی از ششدانگ قطعه زمین مزروعی /باغ قسمتی از پلاک ۱۸۶ اصلی به مساحت ۲۵/۸۲ متر مربع واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک دستجرد) مبایعه نامه عادی از طرف حسن گل وردی به متقاضی انتقال یافته‌است.

۹- رأی شماره ۰۳۰۰۳۹۵۰/۰۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۳۰۰۳۹۵۰ مربوط به پرونده کلاسه ۰۳۸۵۷۹۶۲۱۸/۴۲۸۹۵۱۳۸۱۶۵۰۴۳۹۰۳۸۵۷۹۶۲۱۸ مربوط به تقاضای آقای/خانم علی گل وردی فرزند اسمعیل، در قسمتی از ششدانگ قطعه زمین مزروعی /باغ قسمتی از پلاک ۱۸۵ اصلی به مساحت ۲۸۵/۷۰ متر مربع واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک دستجرد) مبایعه نامه عادی از طرف اسماعیل گل وردی به متقاضی انتقال یافته‌است.

شناسه آگهی: ۲۰۴۱۶۵۳

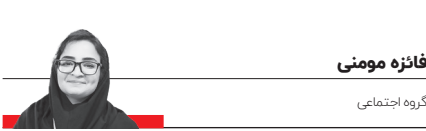
واز آنجائیکه مقرر گردیده است پس از نشر آگهی و انقضاء موعده مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی، مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی، تا چنانچه اشخاص ذینفع اعتراضی داشته باشند ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول، اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دستجرد تسلیم، و رسید آن را اخذ و ظرف مدت یک ماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به این اداره تحویل نمایند، لازم به توضیح است که صدور سند براساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۰۴

مهدی حسن پور – رئیس ثبت اسناد و املاک بخش خلجستان

تبعیض سفید!

قابلیت جدید شبکه ایکس نشان داد مدافعان فیلترینگ، از اینترنت سفید و بدون فیلتر استفاده می کنند



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

همه چیز از یک آپدیت ساده شروع شد. ایلان ماسک و تیم فنی ایکس (تویتر سابق) شاید هرگز گمان نمی کردند که قابلیت جدیدشان برای نمایش شفافیت در نقطه‌ای از خاورمیانه، تبدیل به ابزاری برای «مج‌گیری سیاسی» و افشای شکاف عمیق میان مردم و مسئولان شود. در روزهای اخیر اضافه شدن برچسب موقعیت جغرافیایی (Account based in) به پروفایل کاربران، توفانی در تویتر فارسی به پا کرده است. در حالی که کاربران عادی برای یک اتصال ساده و ناپایدار مجبورند از هفت خوان فیلترشکن‌های پولی و ناامن عبور کنند و هویت دیجیتال خود را در هلند، آلمان یا آمریکا جا بزنند، ناگهان چشم‌های تیزبین کاربران متوجه نکته‌ای عجیب شد: بسیاری از مدافعان سرسخت فیلترینگ و چهره‌های خاص سیاسی با هویت «متصل از ایران» در حال توییت کردن هستند. این گزاره تنها یک معنا را به ذهن متبادر می کرد: استفاده از «اینترنت سفید» یا همان سیم‌کارت‌های بدون فیلتر؛ امتیازی که حالا نماد آشکار «تبعیض سیستماتیک» شده است.

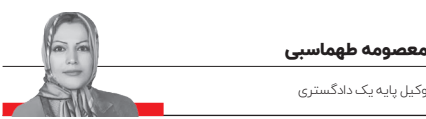
رستاخیز دیجیتال؛ چه کسی راست می گوید؟

فضای مجازی در ۴۸ ساعت گذشته شبیه به صحرای محشر

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

تبعات عندالاستطاعه کردن مهریه

اثبات دارا بودن مرد برای دریافت مهریه با زن است



معصومه طهماسبی

وکیل پایه یک دادگستری

اخیراً خبری از ارسال نامه‌ای از سوی آیت‌الله جعفر سبحانی از مراجع تقلید، خطاب به رئیس قوه قضائیه آیت‌الله محسنی‌زاده‌ی منتشر شده بود. بنا به گزارش ۱۳ مهر ۱۴۰۴ خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله جعفر سبحانی از مراجع تقلید، در نامه‌ای به رئیس دستگاه قضا با انتقاد از وضعیت فعلی قانون مهریه تأکید کرده که مهریه باید مبتنی بر استطاعت واقعی مرد باشد زیرا شرط پرداخت مازاد بر توان از نظر شرعی الزام‌آور نیست. آیت‌الله سبحانی در ادامه تصریح کرده است: «لازم است در تمام عقدنامه‌ها، قید پرداخت مهریه به‌صورت «عندالاستطاعه» درج شود، نه «عندالمطالبه» تا زوج هنگام درخواست مهریه، استطاعت زوج را در نظر بگیرد و در غیر این صورت حق مطالبه نداشته باشد؛ بنابراین طرح دعوی در دادگاه بدون احراز استطاعت مرد، بی‌وجه خواهد بود».

متأسفانه با انتشار این نامه آن هم در جریان تصویب «طرح اصلاح موادی از قانون مهریه» گرایش‌هایی از سوی مجلس برای اعمال این پیشنهاد مشاهده شد. به گزارش ۱۸ مهر ۱۴۰۴ روزنامه عصر ایران، موسی غضنفرآبادی عضو کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی درباره اینکه هنگام بررسی طرح اصلاح موادی از قانون مهریه و بازگشت مجدد آن به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس؛ آیت‌الله سبحانی نامه‌ای در این خصوص خطاب به رئیس قوه قضائیه منتشر کردند مبنی بر اینکه پرداخت مهریه عندالاستطاعه باشد. آیت‌الله سبحانی فرمودند که مهریه باید عندالاستطاعه باشد، برخی‌ها ضمن عقد، عندالمطالبه را قید می‌کنند و کاری هم نمی‌شود کرد. مهریه به‌گونه‌ای باشد که عندالمطالبه نباشد و عندالاستطاعه باشد، هنگامی که استطاعت پیدا کرد، پرداخت کند.

تحلیل حقوقی و تبعات اسفبار این پیشنهاد برای بانوان

در نظام حقوقی حاکم، در پرداخت مهریه اصل بر «عندالمطالبه» بودن آن است و پرداخت مهریه به نحو «عندالاستطاعه» استثنایی بر اصل است که دارای آثار و تبعات حقوقی مهمی است. تبدیل مهریه از حالت عندالمطالبه (قابل مطالبه در هر زمان توسط زوج) به عندالاستطاعه (قابل مطالبه در صورت استطاعت و توانایی مالی زوج) دارای عواقب و عوارض متعددی برای زوج در فرآیند مطالبه و وصول مهریه خواهد بود که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۱ تغییر بار اثبات در دعوای مهریه

در مهریه عندالمطالبه، اصل بر استطاعت مرد است و وی هرگاه ادعای اعسار، یعنی عدم توانایی مالی برای پرداخت را دارد باید آن را

شده است.
کاربران با گرفتن اسکرین‌شات از حساب‌های کاربری نمایندگان مجلس، فعالان سیاسی اصولگرا و چهره‌های رسانه‌ای نزدیک به قدرت، آنها را به چالش کشیده‌اند. پرسش عمومی ساده و در عین حال گزنده است: «چطور شما که برای ما نسخه صیانت و محدودیت می‌پیچید، خودتان از اتویان بدون عوارض و بدون مانع عبور می‌کنید؟» نام‌هایی چون امیرحسین ثابتی و برخی دیگر از نمایندگان مجلس که پیش‌تر بر طبل محدودیت می‌کوبیدند حالا در مظان اتهام استفاده از رانت دیجیتال قرار گرفته‌اند. هرچند ثابتی به سرعت واکنش نشان داد و مدعی شد که نه ایفون دارد و نه خط سفید و این ماجرا را تکذیب کرد اما افکار عمومی قانع نشده است. چرا؟ چون «بی‌اعتمادی» به دیواری بلندتر از فیلترینگ تبدیل شده است.

اینترنت سفید؛ آپارتاید مدرن

اصطلاح «اینترنت سفید» یا «طبقاتی» که سال گذشته و در پی ایده ارائه سیم‌کارت بدون فیلتر به گردشگران خارجی مطرح شد حالا دیگر یک تئوری توطئه نیست؛ بلکه واقعیتی تلخ در حکمرانی دیجیتال کشور است. اینترنت طبقاتی یعنی شهروندان بر اساس جایگاه، شغل و نزدیکی به کانون‌های قدرت، دسترسی‌های متفاوتی به جریان آزاد اطلاعات داشته باشند. علی شریفی‌زارچی، استاد اخراجی دانشگاه شریف، این پدیده را «نمونه و قبحانه تبعیض سیستماتیک» نامیده است. حق با



اوست؛ وقتی اینترنت که باید بستری برای برابری فرصت‌ها باشد به کالایی لوکس برای «خواص» و ابزاری کند و فیلتر شده برای «عوام» تبدیل می‌شود، ما با یک آپارتاید دیجیتال روبه‌رو هستیم. مسئولانی که با اینترنت بدون فیلتر در شبکه‌های اجتماعی فیلتر شده، حضور می‌یابند تا علیه دشمنان فرضی توییت بزنند عملاً به صورت مردمی پوزخند می‌زنند که برای باز کردن همان توییت باید دقیقه‌ها منتظر اتصال وی‌بی‌ان بمانند.

آیا قابلیت ایکس دقیق است؟

در میان هیاهوی سیاسی نباید از انصاف ژورنالیستی هم غافل شد. از نظر فنی، نمایش «Account based in Iran» لزوماً به معنای داشتن سیم‌کارت سفید نیست. استفاده از پروتکل‌های خاصی مانند «وارپ» (WARP)، کانفیگ‌های «سرورلس» (Serverless) و یا حتی برخی اختلالات در شناسایی آی‌پی توسط ایکس ممکن است باعث شود، کاربری که از فیلترشکن استفاده می‌کند نیز همچنان با موقعیت ایران شناسایی شود. بنابراین ممکن است برخی از این اتهامات ناشی از خطای سیستم یا نحوه خاص دور زدن فیلترینگ

به‌خصوص در شرایطی که مرد از شفافیت مالی کافی برخوردار نباشد (مثل دارا بودن اموالی به نام بستانگان)، فرآیند اجرای حکم مهریه را به شدت طولانی و بعضاً غیر ممکن می‌کند.

اصل بنیادین در حقوق مالی بین افراد

در حقوق ایران، اصل حاکم در روابط مالی میان داین (طلبکار) و مدیون (بدهکار)، «عندالمطالبه» بودن دیون است. مطابق این اصل در هر طلب و دینی که در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و قراردادهای میان افراد ایجاد می‌شود، در صورت نبودن شرط یا توافق مخالف، به‌محض مطالبه طلبکار، بدهکار موظف به پرداخت است. این اصل از مهم‌ترین بنیادهای حقوق مالی بوده و در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و روابط مالی افراد در جامعه، نقشی اساسی دارد و در قوانین و رویه قضایی نیز دارای جایگاه ویژه‌ای است. این اصل بنیادین در مورد مهریه نیز جاری است: به‌موجب ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی «به‌مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن نماید». این ماده به‌صراحت بیان می‌کند که زن به‌محض عقد، مستحق مطالبه مهریه است و این استحقاق منوط به تحقق شرطی مثل استطاعت زوج نیست مگر آنکه صراحتاً ترتیب دیگری مقرر شده باشد. بنابراین مهریه نوعی دین است که به‌محض وقوع عقد بر ذمه مرد قرار می‌گیرد و زن می‌تواند هر زمان که بخواهد آن را مطالبه کند مگر اینکه با توافق طرفین و بر اساس اصل حاکمیت اراده، ضمن عقد، خلاف این اصل توافق شده باشد. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که مگر می‌شود برخلاف تمامی قوانین و قواعد فقهی و اصول حقوقی حاکم در نظام قضایی کشور و نیز برخلاف اصل حاکمیت آزادی اراده افراد، شرطی را بدون رضایت صاحبان حق، یعنی زنان که بیش از نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند در عقدنامه گنجانند؟ شرطی که ایشان را در وصول حق شرعی و قانونی خود دچار سختی‌های فراوان کرده و با عدم امکان وصول، موجب تضییع این حق خواهد بود. آن هم در شرایطی که در عمل و بر اساس عرف حاکم، پرداخت مهریه غالباً در زمان وقوع طلاق و جدایی زوجین صورت می‌گیرد و در اکثر موارد زنان که در طول زندگی زن‌شویی تمام‌وقت و انزوی خود را صرف امور خانه و فرزندآوری و بزرگ کردن فرزندان کرده و فرصتی برای کار و استقلال مالی خود نداشته و اساساً پیش‌بینی‌ای برای ایام جدایی نکرده‌اند به این مال نیاز دارند و تنها نقطه امیدشان برای اداره زندگی خود در ایام پس از طلاق و تهایی، آن هم در شرایط اقتصادی کنونی، مهریه‌ای است که به‌موجب قانون و شرع، حق ایشان است. آیا قانون‌گذار به خود این اجازه را می‌دهد که در سایر روابط مالی نیز این شرط یعنی استطاعت مدیون برای پرداخت دین را قرار دهد؟ آیا اساساً چنین چیزی ممکن است؟ یا تنها قرار است در خصوص مهریه چنین شود؟

در نتیجه قانون‌گذار نمی‌تواند مهریه را به‌صورت الزامی عندالاستطاعه کند زیرا این امر: اولاً، بسا اصول حقوقی چون آزادی اراده (ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی)، اصل تساوی بین زن و مرد و منع تبعیض و حق دادخواهی در مغایرت است. ثانیاً، موجب تضعیف امنیت مالی زنان و تضعیف عدالت اجتماعی خواهد بود. ثالثاً، موجب سوء استفاده و بی‌اعتمادی میان زوجین می‌شود.

باشد. اما مسئله اصلی اینجاست: حتی اگر این قابلیت صددردد دقیق نباشد چرا جامعه تا این حد خشمگین است؟ خشم فروخورده و وعده‌های نیمه‌کاره و واکنش عصبی و گسترده مردم به این ماجرا، ریشه در «دقت فنی» ایکس ندارد؛ بلکه ریشه در «واقعیت اجتماعی» ایران دارد. مردم عصبانی‌اند چون احساس می‌کنند در یک بازی نابرابر گرفتار شده‌اند. آنها می‌پینند که وعده‌های انتخابانی مسعود پزشکیان درباره رفع فیلترینگ تا امروز خروجی ملموسی جز رفع فیلتر نصفه و نیمه واتس‌آپ و گوگل‌پلی نداشته است و دیوارهای بلند فیلتر ینگ در مقابل اینستاگرام، تلگرام و ایکس همچنان پابرجاست. وقتی محمدجواد آذری‌جهرمی، وزیر پیشین ارتباطات، با کتابیه به دارندگان سیم‌کارت سفید می‌گوید: «تک‌خوری نکنید، هات‌سیمات کنید که به خیر نزدیک‌تر است» در واقع دارد بر وجود این رانت صحه می‌گذارد. شوخی تلخی که نشان می‌دهد حتی مدیران سابق نیز پذیرفته‌اند که جامعه به دو شق «فیلترشده‌ها» و «آزادها» تقسیم شده است.

شفافیت یا رسوایی؟

چه قابلیت جدید ایکس دقیق باشد و چه بر از باگ، این ماجرا یک کارکرد مهم داشت: کنار زدن پرده‌ها. این اتفاق نشان داد که سیاست فیلترینگ در ایران به بن‌بست اخلاقی رسیده است. نمی‌توان پلتفرمی را بست، استفاده از آن را جرم‌انگاری یا تطبیح کرد اما هم‌زمان صف اول مسئولان کشور در آن حضور داشته باشند و از امکاناتی بهره ببرند که از مردم دریغ شده است. اینترنت طبقاتی، چه به صورت رسمی با نام «اینترنت تخصصی» اجرا شود و چه به صورت غیررسمی با توزیع «سیم‌کارت‌های سفید» بین خواص، حاصلی جز تعمیق شکاف دولت-ملت ندارد. آقایان مسئول! اگر تویتر و اینترنت آزاد بد است، برای همه بد باشد و اگر خوب است و ابزار گفت‌وگو، این حق را به مردم بازگردانید. شفافیت بی‌رحم تکنولوژی منتظر نمی‌ماند؛ امروز موقعیت مکانی‌تان لو رفت فردا شاید چیزهای مهم‌تری عیان شود. به قول قدیمی‌ها، «تک‌خوری» در سفره‌ای که متعلق به ۸۵ میلیون ایرانی است، عاقبت خوشی ندارد؛ حتی در دنیای مجازی.

گزارش: شهری

آینده کمربند جنوبی مشهد

مشهد نیاز به توسعه حمل‌ونقل عمومی دارد نه فقط معابر جدید

کمربند جنوبی مشهد به یکی از بحث‌برانگیزترین پروژه‌های شهری سال‌های اخیر تبدیل شده؛ مسیری که آینده آن در نقطه تلاقی سه موضوع حیاتی قرار دارد: مدیریت ترافیک، الگوی توسعه مشهد و حفاظت از ارتفاعات جنوبی. نشست اخیر سازمان جوانان حزب کارگزاران سازندگی خراسان رضوی با حضور رامین آهویی و کمال‌الدین ناصری تلاش کرد، این چالش را از نگاه کارشناسی واکاوی کند. رامین آهویی، کارشناس حمل‌ونقل با تأکید بر پیشینه قانونی پروژه یادآور شد که طرح از سال ۱۳۷۵ در اسناد رسمی دیده شده و در چندین سند مهم شهری نیز تثبیت شده است. به گفته او، شهرداری تنها مجری مصوبات بوده و شبکه حمل‌ونقل مشهد با بیش از ۷ میلیون سفر روزانه، نیازمند رینگ‌های ارتباطی است. او تشبیه کرد، حذف این محور مانند حذف یک ستون باربر از سازه حمل‌ونقل شهری است. آهویی با اشاره به شبیه‌سازی‌ها گفت، ظرفیت پیش‌بینی شده مسیر حدود ۹ هزار وسیله در ساعت است و حذف آن باعث حذف سفرها نمی‌شود بلکه بار را به معابر دیگر منتقل کرده و فشار ترافیک را تشدید می‌کند. او تأکید کرد هر پروژه‌ای آثار محیط‌زیستی دارد اما راه‌حل، توقف کامل نیست بلکه مدیریت پیامدهاست. همچنین محورهای معرفی شده به‌عنوان جایگزین مانند بلوار نماز و پیروزی از نظر امتداد، ظرفیت و ساختار دسترسی، توان ایفای نقش کمربند جنوبی را ندارند. در مقابل، کمال‌الدین ناصری، عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی، پروژه موجود را اساساً «کمربند» ندانست و آن را یک بزرگراه شهری با ۱۵ خروجی توصیف کرد که به‌جای انتقال ترافیک عبوری، بار را داخل شهر پخش می‌کند. او تأکید کرد که مشهد مقصد سفر است و کنارگذر شمالی برای ترافیک عبوری کافی بوده است؛ بنابراین استدلال مدیریت ترافیک، پایه محکمی ندارد. به گفته ناصری، تنها ۱۱ کیلومتر از ۲۷ کیلومتر مسیر، اجرا شده و همین بخش نیز موجب کویبرداری و خاک‌ریزی گسترده شده است. او این مداخلات را تخریب جدی ارتفاعات جنوبی دانست؛ جایی که نقش حیاتی در تغذیه آبخیزان مشهد دارد. ناصری یادآور شد، پروژه دو بار با دستور قضایی متوقف و پس از ارزیابی محیط‌زیستی به‌دلیل شدت آسیب‌ها از طرح تفصیلی حذف شد. در این ارزیابی، گزینه جایگزین یعنی ادامه بلوار نماز، امتیاز بیشتری گرفته است. او ادامه داد ساخت معبر جدید، ترافیک را حل نمی‌کند و تجربه‌های مشابه نشان داده افزایش عرضه، تقاضای القایی ایجاد می‌کند. ناصری تأکید کرد، شهر باید با توان اکولوژیک خود هماهنگ باشد؛ در حالی‌که مشهد اکنون چند برابر ظرفیت زیست‌محیطی‌اش جمعیت دارد و افت سفره آب زیرزمینی هشداردهنده است. او ارتفاعات جنوبی را رگ حیاتی شهر دانست و گفت، ادامه پروژه تهدید مستقیم آب شرب مشهد است. ناصری پیشنهاد کرد، تمرکز مدیریت شهری به‌جای احیای پروژه بر حمل‌ونقل عمومی، توسعه مترو و مدیریت پارکینگ باشد.

